



## در این مجموعه

- ۱- سخنی نه تازه ..... ۵
- ۲- سال شمار زندگی و آثار صادق چوبک ..... ۱۱
- ۳- از مجموعه «خیمه شب بازی»  
سخنی نه تازه
- عدل ..... ۳۳
- مردی در قفس ..... ۳۷
- مسیو الیاس ..... ۶۵
- یحیی ..... ۷۵
- ۴- از مجموعه «انتری که لویش مرده بود»
- قفس ..... ۷۹
- انتری که لویش مرده بود ..... ۸۳
- ۵- از مجموعه «روز اول قبر»
- چشم شیشه‌ای ..... ۱۰۹
- دسته گل ..... ۱۱۱
- یک چیز خاکستری ..... ۱۳۷
- پاچه خیزک ..... ۱۴۱
- همراه ..... ۱۴۹
- غروسک فروشی ..... ۱۵۱
- همراه «شیوه دیگر» ..... ۱۶۷

بود، و یا رمان سترگ «سنگ صبور» در ادب داستانی معاصر تکرارناپذیرند. با اینکه دید ناتورالیستی چوبک در تمام آثارش غالب است و همین ویژگی سبب گردیده است که در توصیف حالات درون و برون کاراکترها، تلخی و سیاهی چشمگیرتر باشد. اما چوبک حتی زمانی که زشتی‌ها را رقم می‌زند به انسان اندیشه می‌کند و بر او دل می‌سوزاند.

ساده‌اندیشانه است که اگر بخواهیم ناتورالیسم چوبک را فقط در خدمت توصیف سیاهی‌های جامعه و آدم‌ها تلقی کنیم. در این صورت بلو جفایی را روا داشته‌ایم که در قرن نوزدهم، «امیل زولا» را به اتهام هرزه‌نگاری می‌آزردند...

به گفته‌ی بزرگی، تمامی هنرمندان، زاده‌ی اضطراب جهان‌اند. زولا و چوبک نیز از این زمره‌اند، پس چه گناهی است آنان را که در عصر سیاهی که در آن می‌زیسته‌اند جز سیاهی رقمی نزنند؟

آنانی که از نزدیک صادق چوبک را می‌شناختند به نیکی می‌دانند او چه عشقی به هستی و انسان‌ها داشت و چگونه واقعه‌ای تلخ اشک را به دیگان او می‌نشاند و چنان شادی یک انسان او را به دست افشانی و می‌داشت. چوبک با شخصیت‌های آثارش می‌زیست و آنان را همان‌گونه که بودند ترسیم می‌کرد. به همین سبب چه در میان کاراکترهای زن و چه مرد، چهره‌ها و حالات روحی گونه‌گونی را روایت می‌کند.

مادر داستان «چشم شیشه‌ای» و یا «شهر» همسر «زارمحمد تنگسیر»، بهترین نمونه‌های زنانه نجیب و همسرانی سراپا عشق و عاطفه‌اند.

و مردانی همچون «زارمحمد» و یا «میرزا محمود» در داستان «مسیو الیاس» نیز نمونه‌های درخشان مردانه پاک‌طینت و ضد ظلم هستند.

چوبک، همان‌گونه که سیاهی و پلشتی را می‌بیند سپیدی و عشق انسانی را نیز رقم می‌زند. اما این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که به دلیل شرایط بحرانی سیاسی و اجتماعی دوران خلافت ادبی وی که از سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۵ را دربر می‌گیرد، حق دارد که در آثارش بیشتر تلخی و سیاهی را تصویر کند تا شادمانی. اینگونه است که اکثر شخصیت‌های داستانی چوبک از جمله

«لوطی جهان»، «مسیو الیاس»، «گوهر»، «کاکل‌زری» و آدم ظالم و درمانده‌ی داستان «دسته گل» به «پروتوتیپ» (Prototype)‌هایی بدل می‌شوند که حضور آنها را در دیگر آثار داستانی مشابه می‌توان یافت...

### درباره‌ی این گزیده‌ی داستان:

خواننده به نیکی می‌داند که دست راقم این سطور در انتخاب داستان‌های این مجموعه تا چه حد بسته بوده است. شاید اگر نبود بعضی محدودیت‌ها، می‌شد در این گزیده داستان‌های درخشانی همچون «چرا دریا توفانی شده بود»، «چراغ آخر»، «دوست»، «نفی»، «روز اول قبر» و چند داستان دیگر را نیز آورد. اما همین مقدار داستان فراهم آمده در این مجموعه نیز می‌تواند ما را به گوشه‌ای از جهان شگرف آدم‌های چوبک میهمان کند.

در این گزیده سعی بر این بوده است که تا حد امکان و آن‌گونه که خدشه‌ای به اصالت سبک نوشتاری و زبان نویسنده وارد نیاید داستان‌ها با رسم الخط امروزی عرضه شده و اغلاط چاپی ره‌یافته در چاپ‌های پیشین نیز اصلاح گردد. گفتنی است که سال‌شمار آمده در آغاز کتاب حاصل تحقیق و رنج خانم «مهستی شاهرخی» است که به همت دوست فرزانه «پرویز قلیچ‌خانی» برای درج در این گزیده، ارسال شده است.

می‌ماند سپاس از دوستی دیگر «بیژن اسدی‌پور» که یاور باش شامل حال شد و عکس‌های زیبا و ماندنی انتهای کتاب نیز برگرفته از گنجینه تصاویر اوست. نکته پایانی اینکه اگر نبود مهر و دوستی خانم «قدسی چوبک»، شریک شصت سال زندگی آن نویسنده بزرگ، نگارنده هرگز به کار گزینش این داستان‌ها اقدام نمی‌کرد.

با سپاس از این بانوی فرزانه، حاصل کار به یاد آن عزیز که ذرات پیکر خجسته‌اش در فضای این جهان پراکنده شد و با هستی جاودانه در آمیخت به محضر ایشان اهدا می‌شود...



## به یاد قدسی خانم

کار انتشار گزیده‌ی داستان‌های زنده‌یاد صادق چوبک، آنقدر به درازا کشید تا اینکه قدسی خانم کحال‌زاده (چوبک) هم نتواند آن را ببیند. با اینکه زنده‌یاد چوبک، در حال حیات طی یک وکالت‌نامه‌ی مکتوب که شاهدش هم قدسی خانم بود مرا به عنوان امین و وکیل خود برگزیده بود، دروغا که هرگز امکان تجدید چاپ کامل آثار ایشان حاصل نشد. این گزیده هم با نظارت قدسی خانم فراهم آمد و به خود ایشان هم تقدیم شد ولی ای بسا آرزو که خاک شده، قدسی خانم هم فراق یار را تاب نیاورد و دیدار صادق را به دیدن گزیده‌ی ناقصی از کارهایش ترجیح داد.

و من دیگر چه دارم بگویم جز ستایش سه بانوی بزرگ که ادبیات معاصر ما بسیار مدیون آنهاست: قدسی کحال‌زاده (چوبک)، زهرا خاتلری (کیا)، و آیدا سرکیسیان (شاملو).

کتاب / ۳۰ مرداد ۱۳۸۱

تهران